

دوره هشتم - سال چهارم

شماره چاپ: ۱۵۵۶

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰/۵/۸

شماره ثبت: ۵۶۶

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه

مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»

کد موضوعی ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۹۶۸

مردادماه ۱۳۹۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱	چکیده
۱	مقدمه
۲	بررسی لایحه
۷	شاخص‌هایی برای تعیین محدوده‌های حوزه‌های انتخاباتی
۱۰	ارزیابی نهایی لایحه
۱۲	پیوست



اظهار نظر کارشناسی درباره:
«لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی
و تعداد نمایندگان آنها»

چکیده

در اجرای اصل شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ وزارت کشور به‌عنوان مجری و برگزارکننده انتخابات مجلس شورای اسلامی لایحه‌ای با عنوان: «اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها» تهیه و تدوین و با تصویب آن در هیئت دولت به مجلس محترم تقدیم کرده است. این لایحه که در واقع تلاش دارد به توزیع متناسب و عادلانه کرسی‌های نمایندگی میان حوزه‌های انتخابیه بپردازد به پشتوانه شاخص‌ها و امتیازبندی‌های استانی، حوزه‌های انتخابیه حائز شرایط را مشخص کرده است. در نوشتار حاضر سعی شده صرفاً شاخص‌ها و عوامل مطروحه در شکل‌گیری امتیازات مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به برخی شاخص‌های دیگر برای اصلاح لایحه اشاره شود.

مقدمه

جهت اجرای انتخابات و تعیین نمایندگان مردم در مجالس قانونگذاری، نیازمند تقسیم سرزمین به حوزه‌های انتخابیه هستیم. حوزه انتخابیه عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با مرزهای مشخص و تعداد معینی نماینده که به آن تعلق دارد. این حوزه‌ها اجزای قلمرو انتخابات کشور را شکل می‌دهد. قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه، به منظور مشخص کردن تعداد نماینده یا نمایندگان مردم سراسر کشور، تقسیمات دیگری با مرزهای جدید و متفاوت با مرزهای تقسیمات قبلی صورت می‌دهد. در انتخابات ریاست جمهوری سراسر کشور، به منزله یک حوزه انتخابیه تلقی می‌شود. در انتخابات مجلس خبرگان رهبری، به تعداد استان‌ها، حوزه انتخابیه وجود

۱. اصل شصت و چهارم قانون اساسی: عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۲۷۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها، حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون انتخاب می‌کند.

دارد. در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز حوزه‌های انتخابیه منطبق بر واحدهای تقسیمات کشوری در روستاها و شهرستان‌هاست. اما در انتخابات مجلس شورای اسلامی در حال حاضر ۲۰۷ حوزه انتخابیه وجود دارد که این حوزه‌ها منطبق بر تقسیمات کشوری نبوده و در برخی موارد یک شهرستان به‌عنوان یک حوزه انتخابیه و چند شهرستان در مجموع تشکیل یک حوزه انتخابیه دهند. از ۲۰۷ حوزه انتخابیه مجموعاً ۲۹۰ نفر نماینده انتخاب و به مجلس راه می‌یابند که اکنون با لایحه اصلاح تعداد حوزه‌های انتخابیه به ۲۲۳ حوزه انتخابیه و تعداد نمایندگان به ۳۱۰ نماینده افزایش می‌یابد.

بررسی لایحه

۱. کلیات

تعیین محدوده حوزه انتخابیه تأثیری پیشینی و پسینی بر انتخابات دارد. عناصر تنوع در طایفه‌ها، قومیت‌ها، مذاهب، لهجه‌ها، زبان‌ها، نژادها و... در یک حوزه تأثیر پیشینی محدوده حوزه انتخابیه و خدمات نمایندگان مجالس به حوزه‌های انتخابیه و انتخاب مجدد آنها به سمت نمایندگی حوزه، تأثیر پسینی آن است. حوزه‌های انتخابیه علی‌الاصول ازسویی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نامزدهای انتخاباتی و ازسوی دیگر برای ساکنان و رأی‌دهندگان حوزه‌های انتخابیه حائز اهمیت باشد. البته تعیین محدوده حوزه انتخابیه در درجه نازل‌تری از اهمیت برای مجریان و برگزارکنندگان انتخابات و احتمالاً نتایج سیاسی آن برای جناح حاکم در دولت و ازسوی دیگر برای مقامات و عوامل اجرایی حوزه‌های انتخابیه به لحاظ نحوه و میزان تعامل با نمایندگان منتخب حوزه مورد توجه است. بدین ترتیب تعیین حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی از عوامل و ملاحظات چندجانبه‌ای باید بهره‌مند شود. در غیر این صورت دستکاری مرز حوزه‌های انتخابیه می‌تواند به پیدایش وضعیت مرزبندی جانبدارانه و سهمیه‌بندی ناعادلانه منجر شود که این امر خود بر «رفتار رأی‌دهندگان» و «تصمیمات رأی‌گیری» و همچنین «میزان مشارکت انتخاباتی آنها» تأثیرگذار است.

وزارت کشور به‌عنوان متولی اصلی تدوین و تنظیم لایحه مذکور پس از تأخیری دوساله (از سال ۱۳۸۸ تاکنون) بالاخره لایحه را تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. گرچه وزارت کشور تلاش کرده با ارائه لایحه به مجلس، به انجام تکلیف خود در این زمینه اقدام کند، اما این تأخیر اولاً شائبه سیاسی‌کاری دولت را در امر انتخابات دامن زده و ثانیاً موجب ایجاد هیجان انتخاباتی لاقدر در حوزه‌هایی که محدوده‌های آنها تغییر یافته شده است. ثالثاً به دلیل نزدیک بودن به زمان برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی، به نوعی مجلس در عمل انجام شده قرار گرفته است.



به هر ترتیب وزارت کشور اعلام کرده است که با تدوین شاخص‌هایی از عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن مبادرت به امتیازدهی نموده و در نهایت ۲۰ نماینده جدید را میان ۲۰ استان کشور توزیع کرده است.

در بررسی این لایحه نکات کلی زیر به چشم می‌خورد:

الف) لایحه براساس ترتیب حروف الفبایی نام استان‌ها تنظیم شده و تغییرات حوزه‌ها ذیل نام استان‌ها آمده است و تقریباً به دو بخش قابل تفکیک است. بخش اول حوزه‌های انتخابیه که یا جدیدالتأسیس بوده و دارای یک نماینده شده‌اند و یا حوزه انتخابیه‌ای که سابقاً موجود بوده و اکنون به دو حوزه تقسیم شده است و در نهایت افزایش تعداد نماینده داشته است. بخش دوم حوزه‌های انتخابیه که نماینده‌ای به آنها افزوده نشده، بلکه حدود و صغور آنها تغییر کرده است یعنی احتمالاً بخش‌هایی از آن منتزع و بخش‌هایی به آن اطلاق شده است.

در تدوین بخش اول که موجب افزایش نمایندگان حوزه‌های انتخابیه شده، شکی نیست زیرا افزودن ۲۰ نماینده به حوزه‌های انتخابیه به هر حال نیازمند ایجاد حوزه‌های جدید و یا تقسیم حوزه‌های پیشین به دو حوزه و تخصیص نماینده‌هایی به آنهاست. اما ضرورت ارائه بخش دوم یعنی تغییرات محدوده‌های حوزه‌های انتخابیه برخی حوزه‌های انتخابیه درحالی که می‌توانست بسیار پیش‌تر از این و یا پس از برگزاری انتخابات مجلس دوره نهم صورت گیرد، مشخص نیست (این بخش حدود ۱۳ تغییر را در حوزه‌های انتخابیه شامل می‌شود) و چنانچه اصلاح آنها ضروری تلقی شود آیا این اصلاحات تمامی اصلاحات ضروری در قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه است یا تنها برخی از آن چراکه به نظر می‌رسد در بسیاری از حوزه‌ها همواره پیشنهادات اصلاحی وجود دارد که می‌توان در زمان مقتضی و مناسب آن به آنها پرداخت و از التهاب ناشی از تغییرات حوزه‌های انتخابیه در آستانه انتخابات مجلس کاست.

ب) در لایحه مذکور ۱۳ منطقه از یک حوزه منتزع و به حوزه جدیدی الحاق گردیده، چهار حوزه جدید تأسیس شده، ده حوزه انتخابیه تقسیم گردیده و چهار حوزه انتخابیه بدون تغییر در محدوده انتخابیه با افزایش تعداد نماینده همراه بوده‌اند. براساس این لایحه تعداد ۱۳ استان از ۲۰ استانی که درحال حاضر به حوزه انتخابیه آنها یک نماینده افزوده شده در فهرست سال ۱۳۷۸ نیز با افزایش نماینده همراه بوده‌اند.

ج) با نگاهی اجمالی به فهرست نام استان‌ها درمی‌یابیم که همچنان نام چهار استان در این فهرست همانند فهرست اصلاحی سال ۱۳۷۸ خالی است زنجان، مرکزی، گیلان و کردستان استانی‌هایی هستند که طی ۲۰ سال گذشته نماینده‌ای به حوزه‌های انتخابیه‌شان افزوده نشده است که البته در مورد برخی از آنها در جای مقتضی مطالب بیشتری ارائه می‌گردد و در اینجا تنها به

ذکر نام آنها بسنده می‌شود.

د) در بسیاری موارد برخلاف آنچه در مقدمه توجیهی لایحه آمده مبنی بر اینکه لایحه «با توجه به درخواست‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی» تهیه شده به خواست نمایندگان که در قالب نظرات مجمع نمایندگان استان‌ها ارائه شده توجیهی نشده است (به‌عنوان مثال می‌توان به مجمع نمایندگان استان اصفهان نظر به اختصاص یافتن یک نماینده به شهر اصفهان اشاره داشت درحالی که این نماینده به حوزه کاشان اختصاص یافته است - مجمع نمایندگان استان آذربایجان شرقی و دیدگاه این مجمع درباره حوزه عجب‌شیر، مراغه و آذرشهر). در صورتی که دیدگاه‌های نمایندگان و مجامع نمایندگان استان‌ها در تدوین لایحه لحاظ می‌شد، اکنون با حجم زیادی از پیشنهادات نمایندگان مجلس درخصوص لایحه مذکور مواجه نبودیم.

۲. ارزیابی شاخص‌های وزارت کشور در تقدیم لایحه

بی‌تردید ارائه شاخص‌ها و تدوین میزان شایستگی استان‌ها (یا درواقع حوزه‌های انتخابیه) برای کسب امتیاز و کرسی نمایندگی بیشتر در مجلس مهمترین بخش تهیه و تدوین لایحه مذکور است. در این راستا وزارت کشور جدولی را ارائه کرده که گویای آن است که اولاً تمامی عواملی را که در مقدمه توجیهی لایحه مطرح شد مد نظر قرار نداده (عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آنها، مسائل جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و ...)، ثانیاً از قوانین و مقررات موجود در کشور و یا مصوبات هیئت دولت استفاده مفیدی نکرده و ثالثاً به‌نظر می‌رسد در امتیازبندی‌ها از آمار و ارقام مرکز آمار ایران به‌نحو مقتضی استفاده نشده است.

با این تفصیل در اینجا تنها به نقد و بررسی شاخص‌ها و امتیازات پرداخته شده و به جزئیات لایحه و اصلاح جدول تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه اشاره‌ای نشده گرچه در جدول مذکور در برخی موارد به درستی تغییراتی در حوزه‌های انتخابیه ایجاد شده، اما موضوع اصلی ضعف در تدوین شاخص‌ها و اعمال معیارهای دوگانه در امتیازبندی‌هاست که همچنان پابرجاست. در ادامه به بررسی این شاخص‌ها می‌پردازیم:

الف) جدول ارائه شده توسط وزارت کشور جهت شاخص‌بندی استان‌ها (جدول ۱ پیوست) براساس جمعیت سال ۱۳۸۵ مورد ارزیابی قرار گرفته است درحالی که تغییرات طی حدود پنج سال گذشته بسیار زیاد است و وزارت کشور حداقل می‌توانست ارزیابی و آمار احتمالی مرکز آمار ایران را مستند تدوین جدول خود قرار دهد.

ب) جدول ارائه شده وزارت کشور براساس الگوی استانی شاخص‌بندی و امتیازدهی شده، اما



در تخصیص نماینده به حوزه‌های انتخابیه در سطح شهرستان عمل شده است. به‌طور مثال دو استان ممکن است در کسب امتیاز با یکدیگر برابر شوند درحالی که در یکی از آنها دو حوزه انتخابیه حائز شرایط دریافت نماینده جدید باشد که به‌دلیل آنکه به لحاظ استانی امتیاز کسب نکرده از حق قانونی خود محروم می‌شود. براساس امتیازبندی این جدول به‌ازای هر ۱۰ امتیاز یک نماینده به استان اختصاص یافته است.

ج) در جدول ۱ که شاخص‌های دولت در آن اعلام شده این شاخص‌ها و امتیازات داده شده به استان‌ها دارای ویژگی‌هایی از جمله کلی‌نگری، عدم انطباق با واقعیت، اعمال ملاک‌های ناقص، ارائه شاخص‌ها و امتیازات در سطح استانی و اعمال تغییرات در سطح شهرستانی و بخشی و در مجموع توزیع امتیازات ناعادلانه و نامتناسب و گزارش با جدول ارائه شده غیرکارشناسی است.

معیارهای ارزیابی مناطق مختلف نادیده گرفته شده‌اند درحالی که حتی بنابر «قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵» مناطق در صورت داشتن ویژگی‌هایی از امتیازات و یا ویژگی‌هایی خاص برخوردار خواهند شد به‌طور مثال در تشکیل و تأسیس شهرستان منطقه تراکم زیاد با ۱۲۰ هزار نفر و مناطق تراکم متوسط با ۸۰ هزار نفر و در نقاط کم‌تراکم، دورافتاده، مرزی، جزایری و کویری حداقل ۵۰ هزار نفر مورد نظر قرار دارد (تبصره‌های «۱» و «۲» ماده (۷) قانون). درحالی که در جدول ۱ هیچکدام از شاخص‌های مذکور مورد توجه قرار نگرفته است و در عین حال مساحت نمی‌تواند ملاک مهمی درخصوص شاخص‌های موجود باشد زیرا بسیاری از استان‌های بزرگ بیابانی و فاقد سکنه هستند و ازسوی دیگر تهران با مشکل کمبود مساحت مواجه است.

د) معیار جمعیت در بسیاری کشورها شاخص مهمی در تعیین تعداد نمایندگان مجالس آنهاست، در کشور ما با وجود آنکه معیار جمعیت از اصل شصت و چهارم قانون اساسی حذف شده اما نمی‌توان میزان جمعیت را در تعیین تعداد نمایندگان حوزه‌ها کم‌اثر دانست (لازم به‌ذکر است در صورتی که همچنان معیار جمعیت براساس اصل سابق قانون اساسی تنها معیار بود و به‌ازای هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده به مجلس راه می‌یافت در این صورت و از آنجا که از سال ۱۳۷۸ تاکنون جمعیت کشور از ۶۳ میلیون به حداقل ۷۳ میلیون افزایش یافته لذا باید ۶۶ نماینده به ۲۹۰ نماینده کنونی مجلس افزوده می‌شد). با این وجود و در یک نگاه اجمالی درمی‌یابیم تناسبی میان جمعیت و تعداد نمایندگان مجلس نیست به‌طور مثال و براساس جدول ۱ خراسان رضوی با داشتن ۵/۵ میلیون نفر دارای ۱۸ نماینده، فارس با ۴/۳ میلیون نفر ۱۸ نماینده، آذربایجان شرقی با ۳/۶ میلیون نفر ۱۹ نماینده دارند.

درخصوص معیار جمعیت این نکته حائز اهمیت است که برخی مناطق با کاهش جمعیت همراه بوده و علی‌الاصول باید از نماینده کمتری نیز برخوردار شوند موضوعی که هیچ اشاره به آن در

شاخص‌های وزارت کشور نشده است.

ه) از جمله عواملی که با بی‌دقتی در تنظیم شاخص و امتیازبندی مواجه است عوامل سیاسی است. در انتهای جدول ۱ عوامل سیاسی به نسبت واگرایی، قومیت، مرزی بودن خوانده و این درحالی است که اولاً تنها عوامل بی‌ثباتی سیاسی به‌عنوان عامل سیاسی مطرح شده، ثانیاً استفاده از جغرافیای انتخاباتی می‌توانست در تغییر گرایش‌های سیاسی مناطق مؤثر بوده و از جمله عوامل مشارکت انتخاباتی را در تعیین تعداد نمایندگان مؤثر بدانیم و نوعی تعادل ایجاد کنیم.

از سوی دیگر در جدول ۱ با نوعی معیارهای دوگانه مواجهیم و در موارد مشابه امتیازات متفاوتی مشاهده می‌شود. به‌طور مثال سیستان و بلوچستان امتیاز ۳ و کردستان امتیاز ۱ و همدان امتیاز ۳ و ایلام امتیاز صفر و آذربایجان غربی امتیاز صفر و آذربایجان شرقی امتیاز ۳.

و) محرومیت نیز از جمله شاخص‌های ارزیابی استان‌ها در جدول ۱ است. این شاخص خود به دو عامل بیکاری و بیسوادی منقسم شده است. درباره شاخص‌های محرومیت اولاً انتخاب نرخ بیسوادی به‌عنوان مشکل اساسی کشور خود، جای بحث دارد. ثانیاً در امتیازبندی میزان بیکاری و بیسوادی استان‌ها نوعی عدم تناسب و حتی بی‌عدالتی به چشم می‌خورد به‌طور مثال در بخش بیکاری تهران امتیاز ۳، مازندران امتیاز ۱، مرکزی امتیاز ۱ و ایلام امتیاز ۳ را به خود اختصاص داده‌اند درحالی که براساس آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶ (جدول ۲ پیوست) در تهران ۱۳/۲ درصد، مازندران ۱۰/۹ درصد، مرکزی ۱۴ درصد و ایلام ۱۸/۱ درصد می‌باشد. ثالثاً باید منطبق بر تقسیم‌بندی و گروه‌بندی مرکز آمار ایران چهار گروه از استان‌ها براساس نرخ بیکاری تشکیل می‌شد و براساس این امتیازات از ۱ الی ۴ داده می‌شد چراکه براساس این تقسیم‌بندی از صفر تا ۵ درصد گروه اول، از ۵ تا ۱۰ گروه دوم، از ۱۰ تا ۱۵ گروه سوم و از ۱۵ به بالا گروه چهارم شکل می‌گرفت که در واقع امتیازبندی صحیح‌تری ارائه می‌شد.

رابعاً همچنین درباره نرخ بیسوادی به‌طور مثال تهران امتیاز ۳، سیستان و بلوچستان امتیاز ۳، آذربایجان غربی امتیاز ۲، کردستان امتیاز ۱، گیلان امتیاز ۱ ارائه شده درحالی که براساس اعلام مرکز آمار ایران (جدول ۳ پیوست) میزان باسوادی در تهران ۹۱/۲۷ و در سیستان و بلوچستان ۶۸/۱ است و همچنین آذربایجان غربی ۷۷/۷۷، کردستان ۷۷/۴۷، گیلان ۸۳/۱ درصد است.

خامساً در سال ۱۳۶۷ براساس مصوبه هیئت دولت درخصوص شناسایی مناطق محروم تعداد ۲۱۲ بخش جغرافیایی به‌عنوان «منطقه محروم» در کشور شناسایی شد که شاخص‌های تعیین آنها عبارت بودند از:

- دوری از مرکز کشور و مرکز استان،



- کمبود سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی و تولیدی،

- فقدان نیروی متخصص و دانش‌آموخته،

- فقدان امکانات بهداشتی و درمانی.

این شاخص‌ها در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ تغییر کرد و به شاخص‌های شناسایی مناطق کمتر توسعه‌یافته تغییر یافت مواردی از جمله میزان سرمایه‌گذاری در زمینه‌های اشتغالزایی و امور زیربنایی - میزان مسکن مناسب و خدمات اجتماعی، برای اساس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف شد در اجرای راهکار اجرایی فصل هشتم سند «برنامه طرح مطالعه شناسایی مناطق کمتر توسعه‌یافته» این مناطق را شناسایی کند. نتایج این مطالعات نشان داد که ۱۰۰ شهرستان، ۵۰۰ بخش جغرافیایی به عنوان مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته تعیین شدند. جدول این مناطق براساس مصوبه ۱۳۸۸/۴/۱۰ - شماره ۷۶۲۵۴/ت ۳۶۰۹۵ هـ به تصویب هیئت وزیران رسید. این جدول، وزارت کشور را از تعیین شاخص‌هایی برای محرومیت بی‌نیاز می‌کرد و مناسب‌تر بود به این شاخص‌ها مراجعه می‌کرد (جدول ۴ پیوست).

ز) علاوه بر موارد مذکور می‌توان از شاخص‌های دیگری برای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه و نیز تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه که در زیر آمده، استفاده کرد.

شاخص‌هایی برای تعیین محدوده‌های حوزه‌های انتخاباتی

اصل مردم‌سالاری ایجاب می‌کند که اندازه حوزه با تعداد رأی‌دهندگان و یا تعداد جمعیت در هر حوزه انتخابی مطابقت داشته باشد. انحراف از این اصل، تقسیم‌بندی نامناسب تعداد نمایندگان نامیده می‌شود. به‌ویژه در نظام‌های طرفدار حکومت اکثریت با حوزه‌هایی که تنها یک نماینده از آنها انتخاب می‌شود. اجتناب از تقسیم‌بندی نامناسب تعداد نمایندگان دشوار است، زیرا حوزه‌بندی مساوی یعنی حوزه‌های انتخاباتی نسبتاً کوچک باید رأی‌دهندگان مساوی داشته باشد. تقسیم‌بندی نامناسب به‌طور خودکار ممکن است به نفع یک حزب یا احزاب بیشتری تمام شود و عنصر عدم نسبیّت را وارد نظام انتخاباتی کند.^۱

نظام‌های اکثریت نسبی و اکثریتی در بیشتر موارد از حوزه‌هایی استفاده می‌کند که فقط یک نفر از آنها به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شود، درحالی که نظام‌های مبتنی بر نمایندگان تناسبی حداقل دو کرسی در هر حوزه را ضروری می‌داند، با این حال در نظام‌های مبتنی بر نمایندگی تناسبی، تعداد

۱. کریستر لاندل، مترجم: علیرضا عیاری، عوامل موقعیتی تعیین‌کننده گزینش نظام انتخاباتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۹، صص ۳۵-۳۶.

کرسی‌ها و حوزه‌های انتخاباتی در کشورها بسیار متفاوت است. در این کشورها، اندازه حوزه با میانگین عددی تعداد نمایندگان که قرار است در هر حوزه انتخاباتی انتخاب شوند اندازه‌گیری می‌شود. اندازه حوزه، رابطه نزدیکی با تناسب دارد. وقتی کرسی‌های بیشتری به یک حوزه انتخاباتی تخصیص داده شود، امکان اختصاص سهمیه کرسی‌ها طبق سهمیه آرا به‌طور مساوی افزایش پیدا می‌کند، چندین تحقیق و بررسی ثابت کرده که در میان ویژگی‌های اساسی نظام‌های انتخاباتی، اندازه حوزه بیشترین اثر را به تناسب کلی نتایج انتخابات دارد.^۱

بدین ترتیب تعیین شاخص‌هایی برای تعیین محدوده حوزه‌های انتخابیه یا الگویی برای تخصیص تعداد کرسی‌ها و نمایندگان مجلس به حوزه‌های انتخابیه با دشواری مواجه است، اما برخی شاخص‌ها که غالباً قابلیت کمیّت‌پذیر دارند، می‌توانند به‌عنوان شاخص‌ها و معیارهایی برای تعیین حدود حوزه‌ها به‌کار آیند که در ذیل به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. **برابری تعداد نمایندگان:** میانگین جمعیت هر حوزه انتخاباتی در تعیین تعداد نمایندگان هر محدوده انتخاباتی لحاظ می‌شود. برابری جمعیت حوزه‌های انتخاباتی اساس تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخاباتی است، البته انحراف از این اصل سهمیه‌بندی تا حدودی با توجه به تفاوت‌های مکانی، فضایی و جمعیتی پذیرفتنی است.

۲. **ملاک‌های فیزیکی و رفتاری:** ملاک‌های جغرافیایی در ارتباط با مسائل اجتماعی وجود دارد. در برخی از قوانین انتخاباتی و برنامه‌های ناحیه‌بندی این ملاک مطرح می‌شود که البته کاربرد آنها را برخی از دانشمندان علوم سیاسی به چالش کشیده‌اند.

۳. **جغرافیای طبیعی:** شرایط زیست‌محیطی همواره در شکل‌گیری الگوی سکونتگاهی انسان نقش داشته است که گاهی همین شرایط در مشروعیت سیاسی نیز نقش دارند.

۴. **دسترسی، حمل و نقل و ارتباط:** در تعریف اشتراک منافع، الگوی جابجایی و ارتباطی می‌تواند سودمند باشد. زیرساخت‌ها در این الگو نقش مستقیم و غیرمستقیم دارد و در تعیین نواحی جغرافیایی، عنصر دسترسی بسیار مهم است.

۵. **منطقه:** در مناطقی که سکونتگاه‌های انسانی پراکنده‌اند تعیین محدوده‌ای سیاسی براساس ملاک جمعیت باید پهناور باشد. هدف از حوزه‌بندی انتخاباتی، امکان‌پذیر ساختن مشارکت رأی‌دهندگان در انتخاب افرادی است که به نمایندگی از احزاب، مکان‌ها و نژادها کاندیدا شده است. ناحیه‌بندی می‌تواند مشارکت را تضعیف یا تقویت کند.



۶. **تساوی جمعیتی:** مهمترین معیار در ترسیم حوزه‌های انتخابیه تساوی جمعیتی است که از اصل برابری رأی و «یک شخص - یک رأی» پیروی می‌نماید. در تمام دنیا این معیار پذیرفته‌تر است، اما ممکن است معیار فوق به صورت دقیق به کار برده نشود. به همین خاطر در برخی کشورها چشم‌پوشی‌هایی در ترسیم دقیق حوزه‌ها براساس جمعیت به عمل می‌آید. می‌توان گفت این معیار ارزش انسان را در هر مکان بدون توجه به نژاد، زبان، قوم و ملاک‌های فرعی دیگر تنها براساس اصل تساوی در نظر می‌گیرد. هرچه حوزه‌ها از لحاظ جمعیتی برابر باشند، قدرت مساوی حوزه‌ها را در زمان رأی‌گیری نشان می‌دهد. همچنین هرچه نسبت جمعیت به نماینده در حوزه‌ها بیشتر باشد، قدرت و ارزش حوزه‌ها متفاوت خواهد بود و ناعادلانه بودن ترسیم حوزه‌های انتخابیه را نشان می‌دهد. اصل تساوی جمعیتی دارای معایبی مثل جابجایی جمعیت، رشد جمعیت، وجود جمعیت فاقد حق رأی و... است.

۷. **ساختار اجتماعی مشترک (جامعه همسو):** نگرش و تفکر وجود ساختار اجتماعی مشترک از طریق شناسایی الگوهای کاری، سکونت، اجتماع، مذهب و مشارکت سیاسی جوامع آشکار می‌شود. در مقیاس گسترده‌تر تنوع هویتی میان مرکز شهر، حومه، روستا و مناطق شهرک‌نشین وجود دارد که به واسطه نیازهای مختلف آنان این مراکز از جهت حقوقی با هم متفاوتند. توجه به این ملاک در ترسیم حوزه‌های انتخابیه از ناعدالتی و نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها جلوگیری می‌کند. حوزه تا حد ممکن باید ساخت اجتماعی نزدیک به هم داشته باشد به صورتی که بخشی از حوزه با ساختار اجتماعی متفاوت‌تر، اقلیت را تشکیل ندهد و علاوه بر تضييع حق رأی تقابل و کشمکش را نیز به وجود نیاورد.

۸. **مشخص بودن مرز حوزه:** مرز حوزه از سایر حوزه‌ها باید مشخص باشد به طوری که بتوان مرز حوزه‌ها را براساس وضعیت فعلی و موقعیت آن تشخیص داد و همچنین بتوان بخش‌های تشکیل‌دهنده حوزه را مشخص کرد.

۹. **امکانات ارتباطی:** در تعریف اشتراک منافع، الگوی جابجایی و ارتباطات می‌تواند سودمند باشد. زیرساخت‌ها در حفظ این الگو نقش مستقیم و غیرمستقیمی دارند که عنصر دسترسی شامل دسترسی به خطوط ارتباطی مثل جاده‌ها و خدمات ارتباطی عامل بسیار مهمی در حوزه‌بندی انتخاباتی است.

۱۰. **تطبیق مرزهای انتخاباتی با مرزهای اداری حوزه:** بزرگی یک حوزه نشان‌دهنده تعداد کرسی اختصاص یافته به یک حوزه می‌باشد. حوزه ممکن است یک یا چند نماینده داشته باشد. بیشتر حوزه‌های تک‌نماینده‌ای با مرزهای اداری تطبیق ندارند. کشورهایایی که دارای حوزه‌های

چندنماینده هستند غالباً از تقسیمات اداری موجود برای حوزه‌بندی استفاده می‌کنند که در آنها هر حوزه براساس جمعیت، به آن نماینده تعلق می‌گیرد. معمولاً این نوع از حوزه‌ها در شکل نمایندگی تناسبی به‌کار برده می‌شود. مرزبندی حوزه باید تا حد امکان منطبق بر مرزهای اداری باشد، اما ممکن است برای تطبیق با معیار تساوی جمعیتی فراتر از مرزهای اداری ترسیم شوند.

۱۱. هر حوزه باید از بخش‌های جمعیتی در داخل استان تشکیل شده باشد: بخش‌های تشکیل‌دهنده هر حوزه باید در داخل یک ایالت یا استان باشد، تا هنگامی که جنبه اجرایی به خود می‌گیرد، تداخل به‌وجود نیاید و حمایت استان یا ایالت را نسبت به بخشی از حوزه موجب نشود.

ارزیابی نهایی لایحه

۱. دولت باید براساس آمارهای سال ۱۳۸۹ در شاخص‌ها و امتیازدهی استفاده می‌کرد تا استناد به آمار که متعلق به پنج سال گذشته است.

۲. باید شاخص‌هایی همانند جمعیت، جغرافیای طبیعی، دسترسی و حمل‌ونقل و ارتباطات، عوامل سیاسی همانند فعالیت احزاب، قومیت‌ها، همگرایی و واگرایی مناطق، ساختار اجتماعی مشترک و... مورد استفاده قرار می‌گرفت.

۳. در امتیازدهی از معیارهای دوگانه استفاده شده است (چراکه در دو استان با شرایط مرزی و قیومتی و مذهبی تقریباً یکسان چگونه ممکن است امتیاز یکی سه برابر دیگری شود. این امر تنها مؤید اعمال معیارهای دوگانه در امتیازدهی است که باید از آن پرهیز شود).

۴. ملاک‌ها و امتیازات باید یکسان‌سازی شود براین اساس به حوزه‌های انتخابیه (شهرستان‌ها و بخش‌ها) باید پرداخت.

۵. بهتر بود از مصوبه هیئت دولت در تعیین مناطق توسعه‌نیافته یا کمتر توسعه‌یافته استفاده می‌شد.

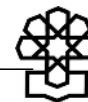
۶. نظرات مجامع نمایندگان استان‌ها در تدوین لایحه مد نظر قرار گیرد.

۷. بخش‌هایی از لایحه که قابلیت طرح پس از برگزاری انتخابات را دارند و به موضوع افزایش تعداد نمایندگان براساس اصل شصت و چهارم قانون اساسی ارتباط ندارند حذف و به آینده موکول شوند تا از تنش و التهاب در آستانه انتخابات کاسته شود (به‌طور مثال در لایحه مذکور:

- قسمت ب از استان آذربایجان شرقی آمده است: بخش هوراند تابع شهرستان اهر از حوزه

انتخابیه کلبر و خداآفرین و هوراند منتزعه و به حوزه انتخابیه اهر و هریس الحاق می‌شود.

- قسمت الف از استان خراسان شمالی: شهرستان فاروج تابع استان خراسان شمالی از حوزه



انتخابیه قوچان و فاروج منتزع و به حوزه انتخابیه شیروان الحاق می‌شود.
- استان لرستان: شهرستان سلسله تابع استان لرستان از حوزه انتخابیه دلفان و سلسله منتزع
و به حوزه انتخابیه خرم‌آباد و دوره الحاق می‌شود).
و موارد دیگری که حدود ۱۳ مورد را در لایحه می‌توان برشمرد.
۸. به مناطقی که طی بیست سال گذشته نماینده‌ای افزوده نشده توجه بیشتری شود.

پیوست

جدول ۱. شاخص‌ها و امتیازات استان‌ها تدوین شده در وزارت کشور

شاخص (عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن) / امتیاز						وضعیت فعلی						استان	ردیف	
محرومیت		شاخص				تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸	تعداد حوزه انتخابیه	تعداد بخش	تعداد شهرستان	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت سال ۱۳۸۵			
رتبه	درصد بیسوادی به نسبت کل کشور	درصد بیکاری به نسبت کل کشور	عوامل سیاسی	نسبت مساحت استان به تعداد نماینده	نسبت جمعیت استان به تعداد نماینده							امتیاز	امتیاز	امتیاز
نتیجه	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز
۱	۶/۵۹	۱۱/۵۰	۳	۲۲۷۲۳	۳۰۰۷۱۸	۶	۸	۶	۴۰	۱۴	۱۸۱۷۸۵	۲۴۰۵۷۴۲	سیستان و بلوچستان	۱
۲	۶/۳۷	۱۴/۲۰	۳	۳۵۵۹	۲۳۷۴۹۹	۴	۱۸	۱۴	۵۵	۲۴	۶۴۰۵۴	۴۲۷۴۹۷۹	خوزستان	۲
۳	۹/۱۰	۱۴/۶۰	۰	۳۹۱	۳۲۴۱۵۴	۶	۳۵	۶	۲۹	۱۴	۱۳۶۸۹	۱۱۳۴۵۳۷۵	تهران	۳
۳	۷/۰۵	۱۱/۸۰	۰	۶۶۰۳	۳۱۰۷۲۷	۶	۱۸	۱۲	۶۹	۲۷	۱۱۸۸۵۱	۵۵۹۳۰۷۹	خراسان رضوی	۴
۳	۱/۸۴	۱۴/۶۰	۰	۱۷۰۸	۶۹۲۳۳۰	۸	۳	۲	۱۰	۴	۵۱۲۴	۲۰۷۶۹۹۱	البرز	۵
۴	۴/۱۴	۱۴/۶۰	۰	۱۸۰۷۳	۲۶۵۲۴۱	۴	۱۰	۹	۵۸	۲۳	۱۸۰۷۳۶	۲۶۵۲۴۱۳	کرمان	۶
۵	۵/۳۰	۱۴/۶۰	۱	۵۶۳۲	۲۳۹۹۶۱	۴	۱۹	۱۵	۴۵	۲۳	۱۰۷۰۱۷	۴۵۵۹۲۵۶	اصفهان	۷
۵	۵/۳۷	۲۱/۳۰	۰	۶۸۱۲	۲۴۰۹۳۸	۴	۱۸	۱۵	۸۳	۲۹	۱۲۳۶۰۸	۴۳۳۶۸۷۸	فارس	۸



شاخص (عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن) / امتیاز						وضعیت فعلی						استان	ردیف
نتیجه	محرومیت		شاخص			تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸	تعداد حوزه انتخابیه	تعداد بخش	تعداد شهرستان	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت سال ۱۳۸۵		
رتبه	درصد بیسوادی به نسبت کل کشور	درصد بیکاری به نسبت کل کشور	عوامل سیاسی	نسبت مساحت استان به تعداد نماینده	نسبت جمعیت استان به تعداد نماینده								
امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز	امتیاز								
۵	۱/۰۸	۱۱/۹۰	۱	۱۸۴۶۸	۲۲۱۰۹۶۱۵	۴	۴	۲۲	۱۱	۷۳۸۷۳	۹۲۴۳۸۶	یزد	۹
۱۱	۴/۱۱	۱۰/۵۰	۲	۱۹۸۷	۲۴۳۵۳۶	۱۲	۹	۵۰	۱۹	۲۳۸۴۲	۲۹۲۲۴۳۲	مازندران	۱۰
۶	۱/۱۰	۱۴/۶۰	۱	۵۶۸۶	۲۲۱۵۶۷	۴	۴	۲۳	۹	۲۲۷۴۲	۸۸۶۲۶۷	یوشهر	۱۱
۱۰	۶/۱۷	۱۰/۴۰	۳	۲۴۰۳	۱۸۹۶۵۶	۱۹	۱۳	۴۴	۲۰	۴۵۶۵۰	۳۶۰۳۴۵۶	آذربایجان شرقی	۱۲
۶	۱/۳۷	۱۴/۹۰	۱	۴۰۸۲	۲۱۴۴۷۸	۴	۴	۲۲	۷	۱۶۳۲۸	۸۵۷۹۱۰	چهارمحال و بختیاری	۱۳
۱۰	۱/۵۱	۱۳/۸۰	۱	۲۸۹۲	۲۸۵۸۰۰	۴	۳	۱۹	۵	۱۵۵۶۷	۱۱۴۳۲۰۰	قزوین	۱۴
۶	۲/۲۱	۱۰/۸۰	۱	۱۴۱۳۹	۲۸۰۷۳۵	۵	۳	۲۸	۱۳	۷۰۶۹۷	۱۴۰۳۶۷۴	هرمزگان	۱۵
۱۰	۱/۰۹	۱۰/۶۰	۳	۳۷۶۹۹	۱۷۵۷۱۳	۴	۴	۱۹	۸	۱۵۰۷۹۶	۷۰۲۸۵۲	خراسان جنوبی	۱۶
۶	۱/۵۴	۵/۴۰	۲	۷۱۰۹	۲۰۲۸۹۳	۴	۳	۱۷	۷	۲۸۴۳۴	۸۱۱۵۷۲	خراسان شمالی	۱۷
۱۰	۲/۶۵	۱۱/۴۰	۲	۲۹۱۰	۲۳۱۰۱۲	۷	۶	۲۷	۱۴	۲۰۳۶۸	۱۶۱۷۰۸۷	گلستان	۱۸

شاخص (عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن) / امتیاز						وضعیت فعلی						استان	ردیف
نتیجه		محرومیت		شاخص		تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸	تعداد حوزه انتخابیه	تعداد بخش	تعداد شهرستان	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت سال ۱۳۸۵		
رتبه	درصد بیسوادی به نسبت کل کشور	درصد بیکاری به نسبت کل کشور	عوامل سیاسی	نسبت مساحت استان به تعداد نماینده	نسبت جمعیت استان به تعداد نماینده							امتیاز	امتیاز
۶	۳/۱۳	۱۳/۴۰	۱	۳۱۲۶	۲۳۴۹۲۳	۸	۶	۳۰	۱۴	۲۵۰۰۹	۱۸۷۹۳۸۵	کرمانشاه	۱۹
۱۰	۲/۷۶	۱۴/۳۰	۳	۲۱۵۲	۱۸۹۲۵۲	۹	۷	۲۵	۹	۱۹۳۶۷	۱۷۰۳۲۶۷	همدان	۲۰
۶	۱/۳۲	۱۲/۴۰	۰	۳۸۴۲	۳۴۸۹۱۲	۳	۱	۵	۱	۱۱۵۲۶	۱۰۴۱۷۳۷	قم	۲۱
۷	۵/۸۴	۱۱/۵۰	۰	۳۱۱۸	۲۳۹۴۵۵	۱۲	۹	۴۰	۱۷	۳۷۴۱۱	۲۸۷۳۴۵۹	آذربایجان غربی	۲۲
۷	۳/۰۰	۱۶/۱۰	۲	۳۱۴۴	۱۹۰۷۲۵	۹	۷	۲۷	۱۰	۲۸۲۹۴	۱۷۱۶۵۲۷	لرستان	۲۳
۷	۲/۹۹	۱۱/۲۰	۱	۴۸۵۶	۲۴۰۰۲۶	۶	۵	۲۷	۱۰	۲۹۱۳۷	۱۴۴۰۱۵۶	کردستان	۲۴
۸	۰/۹۱	۱۳/۹۰	۰	۶۷۱۱	۱۸۱۹۲۹	۳	۲	۲۰	۸	۲۰۱۳۲	۵۴۵۷۸۷	ایلام	۲۵
۸	۰/۶۲	۱۱/۳۰	۰	۲۴۳۷۳	۱۴۷۴۳۶	۴	۴	۱۳	۵	۹۷۴۹۰	۵۸۹۷۴۲	سمنان	۲۶
۸	۱/۰۶	۱۲/۰۰	۰	۵۱۶۸	۲۱۱۴۳۳	۳	۳	۱۷	۷	۱۵۰۰۴	۶۳۴۲۹۹	کهگیلویه و بویراحمد	۲۷



شاخص (عوامل انسانی، جغرافیایی، سیاسی و نظایر آن) / امتیاز						وضعیت فعلی						استان	ردیف	
نتیجه		محرومیت		شاخص		تعداد نمایندگان در سال ۱۳۷۸	تعداد حوزه انتخابیه	تعداد بخش	تعداد شهرستان	مساحت به کیلومتر مربع	جمعیت سال ۱۳۸۵			
رتبه	امتیاز	درصد بیسوادی به نسبت کل کشور	امتیاز	درصد بیکاری به نسبت کل کشور	امتیاز							عوامل سیاسی	امتیاز	نسبت مساحت استان به تعداد نماینده
۹	۲/۲۶	۱۵/۰۰	۱	۰	۲۵۴۳	۱۷۵۴۵۱	۷	۵	۲۷	۱۰	۱۷۷۹۹	۱۲۲۸۱۵۵	اردبیل	۲۸
۹	۳/۸۳	۱۳/۸۰	۱	۰	۱۰۸۰	۱۸۴۹۸۹	۱۳	۱۱	۴۳	۱۶	۱۴۰۴۲	۲۴۰۴۸۶۱	گیلان	۲۹
۱۰	۱/۶۳	۱۰/۹۰	۱	۰	۴۳۵۵	۱۹۲۹۲۰	۵	۴	۱۶	۷	۲۱۷۷۳	۹۶۴۶۰۱	زنجان	۳۰
۱۰	۲/۰۲	۱۰/۳۰	۱	۰	۴۱۶۱	۱۹۳۰۳۷	۷	۶	۲۳	۱۲	۲۹۱۲۷	۱۳۵۱۲۵۷	مرکزی	۳۱
							۵	۵					اقلیت‌های مذهبی	
		۱۴/۶۰			۵۶۱۶	۲۴۳۰۸۹	۲۹۰	۲۰۷	۹۸۳	۳۹۷	۱۶۲۸۷۶۲	۷۰۴۹۵۷۸۲	جمع کل	

توضیحات: مساحت کشور ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع می‌باشد و مساحت اعلامی مساحت خاکی کشور است.

جمعیت و مساحت استان‌های خراسان جنوبی و خراسان شمالی با احتساب جمعیت و مساحت شهرستان‌های طبس و فاروج است.

جمعیت باسوادان و بی‌سوادان هر استان شامل افراد واجد شرایط (۶ ساله و بیشتر) می‌باشد. امتیازها براساس شاخص‌های زیر تعریف شده است.

۱. نسبت جمعیت استان به تعداد نماینده (جمعیت زیر ۲۰۰ هزار نفر ۲، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر ۴، بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر ۶، بالای ۴۰۰ هزار نفر ۸).

۲. نسبت جمعیت مساحت استان به تعداد نماینده (زیر ۶ هزار کیلومتر مربع ۱، بین ۶ تا ۱۲ هزار کیلومتر مربع ۲، بالای ۱۲ هزار کیلومتر مربع ۳).

۳. امتیاز عوامل سیاسی به نسبت و آگرایی، قومیت، مرزی بودن و سایر موارد ۱، ۲ و ۳.

۴. نرخ بیکاری (زیر ۱۱ درصد امتیاز ۱، بین ۱۱ تا ۱۳ درصد امتیاز ۲، بالای ۱۳ درصد امتیاز ۳).

۵. نرخ بیسوادی (زیر ۴ درصد امتیاز ۱، بین ۴ تا ۶ درصد امتیاز ۲، بالای ۶ درصد امتیاز ۳).

جدول ۲. نرخ بیکاری به تفکیک وضع سواد، سطوح مختلف تحصیلی و استان - سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۶

باسواد ۱۳۸۶						باسواد ۱۳۸۵						باسواد ۱۳۸۴						نرخ بیکاری
استان	کل	زیر دیپلم	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	فوق دیپلم و بالاتر	حوزه علمیه	بیسواد	کل	زیر دیپلم	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	فوق دیپلم و بالاتر	حوزه علمیه	بیسواد	کل	زیر دیپلم	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	فوق دیپلم و بالاتر	حوزه علمیه	
آذربایجان شرقی	۶/۱	۳/۹	۱۰/۵	۱۲/۷	۵/۳	۰/۷	۶/۲	۳/۵	۱۱/۴	۱۴/۱	۰/۰	۱/۰	۶/۲	۳/۵	۱۱/۴	۱۴/۱	۰/۷	۵/۳
آذربایجان غربی	۱۰/۲	۷/۹	۱۷/۴	۱۴/۸	۰/۰	۲/۸	۱۱/۵	۹/۵	۱۵/۶	۱۸/۴	۰/۰	۳/۹	۱۱/۵	۹/۵	۱۵/۶	۱۸/۴	۰/۰	۱۴/۸
اردبیل	۱۳/۸	۹/۶	۲۴/۵	۲۰/۱	۷/۷	۳/۴	۱۳/۳	۹/۳	۲۲/۰	۱۹/۰	۰/۰	۳/۱	۱۳/۳	۹/۳	۲۲/۰	۱۹/۰	۰/۰	۷/۷
اصفهان	۱۲/۸	۹/۲	۱۶/۴	۲۰/۲	۴/۱	۴/۸	۱۱/۷	۷/۶	۱۵/۸	۱۸/۹	۴/۱	۲/۲	۱۱/۷	۷/۶	۱۵/۸	۱۸/۹	۴/۱	۴/۱
ایلام	۱۸/۱	۱۱/۸	۲۶/۰	۲۵/۰	۰/۰	۲/۹	۱۶/۷	۹/۸	۲۳/۹	۲۴/۸	۲۴/۷	۲/۲	۱۶/۷	۹/۸	۲۳/۹	۲۴/۸	۲۴/۷	۰/۰
بوشهر	۱۳/۶	۱۲/۱	۱۷/۷	۱۱/۵	۰/۰	۴/۸	۱۱/۵	۱۰/۷	۱۴/۰	۹/۴	۰/۰	۱/۷	۱۱/۵	۱۰/۷	۱۴/۰	۹/۴	۰/۰	۴/۸
تهران	۱۳/۸	۱۲/۶	۱۶/۱	۱۳/۱	۱۶/۵	۹/۶	۱۳/۲	۱۲/۱	۱۵/۶	۱۱/۹	۱۳/۹	۹/۲	۱۳/۲	۱۲/۱	۱۵/۶	۱۱/۹	۱۳/۹	۱۶/۵
چهارمحال و بختیاری	۱۳/۰	۱۱/۷	۱۸/۱	۱۱/۷	۰/۰	۳/۶	۱۳/۷	۱۱/۴	۱۸/۹	۱۵/۸	۰/۰	۲/۹	۱۳/۷	۱۱/۴	۱۸/۹	۱۵/۸	۰/۰	۱۱/۷
خراسان جنوبی	۱۱/۹	۷/۴	۲۴/۷	۱۵/۵	۰/۰	۰/۷	۱۳/۲	۷/۵	۲۶/۹	۱۸/۹	۰/۰	۱/۵	۱۳/۲	۷/۵	۲۶/۹	۱۸/۹	۰/۰	۱۵/۵
خراسان رضوی	۱۰/۱	۸/۲	۱۶/۹	۱۱/۹	۴/۶	۲/۷	۹/۴	۷/۲	۱۴/۱	۱۲/۴	۹/۴	۲/۸	۹/۴	۷/۲	۱۴/۱	۱۲/۴	۹/۴	۴/۶
خراسان شمالی	۸/۵	۵/۸	۱۴/۹	۱۷/۶	۰/۰	۲/۰	۸/۳	۵/۸	۱۶/۲	۱۴/۶	۰/۰	۱/۹	۸/۳	۵/۸	۱۶/۲	۱۴/۶	۰/۰	۱۷/۶
خوزستان	۱۴/۴	۱۲/۴	۱۹/۵	۱۴/۹	۰/۰	۴/۳	۱۳/۹	۱۱/۶	۱۷/۶	۱۸/۵	۰/۰	۳/۱	۱۳/۹	۱۱/۶	۱۷/۶	۱۸/۵	۰/۰	۱۴/۹
زنجان	۱۱/۰	۶/۶	۲۲/۳	۱۷/۸	۰/۰	۱/۹	۱۳/۷	۹/۳	۲۳/۵	۲۰/۳	۰/۰	۲/۳	۱۳/۷	۹/۳	۲۳/۵	۲۰/۳	۰/۰	۱۷/۸
سمنان	۱۲/۰	۹/۰	۱۵/۵	۱۶/۵	۸/۲	۲/۸	۱۱/۴	۸/۹	۱۳/۶	۱۵/۳	۱۲/۲	۱/۵	۱۱/۴	۸/۹	۱۳/۶	۱۵/۳	۱۲/۲	۸/۲
سیستان و بلوچستان	۱۳/۱	۱۲/۱	۲۱/۳	۷/۷	۵/۲	۳/۴	۱۴/۸	۱۲/۰	۲۵/۲	۱۵/۳	۴/۱	۳/۱	۱۴/۸	۱۲/۰	۲۵/۲	۱۵/۳	۴/۱	۷/۷
فارس	۱۴/۳	۱۱/۲	۲۰/۴	۱۸/۲	۵/۲	۳/۸	۱۴/۷	۱۱/۹	۱۷/۸	۲۱/۴	۰/۰	۴/۹	۱۴/۷	۱۱/۹	۱۷/۸	۲۱/۴	۰/۰	۱۸/۲
قزوین	۱۲/۰	۹/۸	۱۶/۴	۱۴/۱	۷/۶	۳/۳	۱۱/۰	۸/۵	۱۴/۹	۱۵/۶	۸/۳	۳/۸	۱۱/۰	۸/۵	۱۴/۹	۱۵/۶	۸/۳	۷/۶

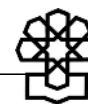


باسواد ۱۳۸۶						باسواد ۱۳۸۵						باسواد ۱۳۸۴						نرخ بیکاری
بیسواد	حوزه علمیه	فوق دیپلم و بالاتر	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	زیر دیپلم	کل	بیسواد	حوزه علمیه	فوق دیپلم و بالاتر	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	زیر دیپلم	کل	بیسوادی	حوزه علمیه	فوق دیپلم و بالاتر	دیپلم و پیش‌دانشگاهی	زیر دیپلم	کل	استان
۳/۷	۴/۸	۱۳/۶	۱۰/۸	۹/۹	۱۱/۱	۴/۱	۴/۳	۱۳/۹	۱۶/۹	۹/۹	۱۱/۹	۳/۷	۴/۴	۱۳/۲	۱۴/۰	۱۰/۱	۱۱/۱	قم
۲/۸	۴/۳	۱۸/۹	۱۸/۳	۷/۷	۱۱/۰	۶/۷	۲۶/۶	۱۴/۴	۲۸/۷	۱۲/۸	۱۶/۰	۲/۸	۵/۷	۱۵/۸	۱۷/۶	۸/۱	۱۱/۰	کردستان
۱/۶	۰/۰	۱۹/۰	۲۸/۰	۱۱/۷	۱۷/۲	۲/۵	۱۵/۸	۲۱/۰	۲۴/۱	۹/۷	۱۵/۴	۱/۶	۰/۰	۲۲/۵	۲۷/۶	۱۱/۱	۱۷/۲	کرمان
۴/۲	۰/۰	۲۰/۵	۲۱/۵	۲۰/۶	۱۴/۰	۱۶/۵	۱۳/۱	۲۲/۶	۲۶/۵	۱۵/۰	۱۸/۹	۴/۲	۰/۰	۱۷/۴	۲۳/۴	۱۳/۸	۱۶/۵	کرمانشاه
۲/۹	۰/۰	۲۳/۴	۲۳/۴	۳۲/۵	۱۸/۲	۲۱/۲	۰/۰	۲۲/۵	۳۰/۹	۱۲/۹	۱۹/۱	۲/۹	۰/۰	۲۲/۱	۳۰/۹	۱۶/۶	۲۱/۲	کهگیلویه و بویراحمد
۲/۴	۲/۰	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۲/۹	۸/۳	۹/۹	۱۱/۶	۱۱/۷	۱۲/۳	۸/۸	۹/۹	۲/۴	۱/۷	۱۴/۱	۱۳/۹	۸/۰	۹/۹	گلستان
۲/۴	۰/۰	۱۹/۹	۱۹/۹	۲۰/۱	۱۱/۴	۱۵/۵	۰/۰	۱۹/۲	۹/۸	۹/۰	۱۲/۸	۲/۴	۰/۰	۲۲/۶	۲۲/۶	۱۰/۹	۱۵/۵	گیلان
۳/۹	۰/۰	۳۰/۶	۳۰/۶	۲۶/۰	۱۳/۸	۱۷/۸	۱۳/۸	۲۷/۱	۳۰/۴	۱۳/۰	۱۹/۲	۳/۹	۰/۰	۲۴/۱	۲۹/۵	۱۲/۵	۱۷/۸	لرستان
۰/۹	۰/۰	۲۰/۳	۲۰/۳	۱۶/۸	۵/۸	۱۰/۹	۰/۰	۱۸/۶	۱۲/۳	۴/۴	۸/۸	۰/۹	۰/۰	۱۹/۲	۱۷/۴	۵/۸	۱۰/۹	مازندران
۳/۶	۱۴/۵	۱۴/۹	۱۴/۹	۱۹/۲	۱۲/۸	۱۴/۰	۰/۰	۱۹/۰	۱۷/۵	۱۱/۵	۱۳/۹	۳/۶	۸/۵	۲۰/۴	۱۹/۵	۱۱/۲	۱۴/۰	مرکزی
۵/۶	۱۴/۴	۸/۴	۸/۴	۱۵/۳	۹/۹	۱۱/۴	۰/۰	۴/۱	۱۰/۳	۸/۸	۸/۵	۵/۶	۱۰/۰	۴/۸	۱۶/۲	۱۱/۱	۱۱/۴	هرمزگان
۳/۱	۲۵/۸	۲۰/۹	۲۰/۹	۱۹/۵	۱۰/۲	۱۲/۶	۲۵/۲	۲۱/۹	۲۱/۰	۱۲/۲	۱۵/۱	۳/۱	۱۶/۱	۱۶/۹	۱۹/۵	۱۰/۰	۱۲/۶	همدان
۰/۳	۰/۰	۱۴/۲	۱۴/۲	۱۲/۳	۶/۱	۸/۸	۰/۰	۱۲/۰	۱۱/۷	۵/۱	۸/۰	۰/۳	۰/۰	۱۳/۴	۱۲/۲	۶/۰	۸/۸	یزد
۳/۳	۵/۹	۱۶/۱	۱۶/۱	۱۶/۸	۱۰/۰	۱۲/۷	۶/۷	۱۵/۸	۱۶/۹	۹/۵	۱۲/۴	۳/۳	۵/۵	۱۵/۷	۱۸/۱	۹/۸	۱۲/۷	کل کشور

مأخذ: نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران.

جدول ۳. میزان باسوادی در جمعیت ۶ ساله و بیشتر برحسب نقاط شهری و روستایی به تفکیک استان - ۱۳۸۵

روستایی	شهری	کل	نام استان
۷۵/۰۹	۸۸/۹۳	۸۴/۶۱	کل کشور
۷۳/۵۴	۸۵/۵۱	۸۱/۵۶	آذربایجان شرقی
۶۸/۹۰	۸۳/۵۸	۷۷/۷۷	آذربایجان غربی
۷۳/۰۳	۸۵/۰۶	۸۰/۰۴	اردبیل
۷۹/۱۷	۸۹/۲۱	۸۷/۵۳	اصفهان
۷۴/۹۵	۸۶/۷۶	۸۱/۹۰	ایلام
۸۲/۴۶	۸۸/۷۷	۸۶/۴۳	بوشهر
۸۲/۱۹	۹۲/۱۱	۹۱/۲۷	تهران
۷۷/۲۰	۸۷/۴۶	۸۲/۵۲	چهارمحال و بختیاری
۷۲/۳۷	۸۹/۵۷	۸۱/۱۱	خراسان جنوبی
۷۷/۱۱	۹۰/۳۸	۸۶/۱۸	خراسان رضوی
۷۱/۵۴	۸۷/۳۲	۷۹/۱۳	خراسان شمالی
۷۴/۱۹	۸۸/۲۷	۸۳/۶۲	خوزستان
۷۴/۱۹	۸۷/۱۱	۸۱/۷۲	زنجان
۷۸/۹۳	۹۱/۸۵	۸۸/۶۰	سمنان
۵۹/۸۲	۷۶/۳۷	۶۸/۰۱	سیستان و بلوچستان
۸۱/۵۵	۹۰/۰۶	۸۶/۶۳	فارس
۷۷/۳۰	۸۹/۶۱	۸۵/۶۸	قزوین
۷۲/۲۸	۸۷/۰۵	۸۶/۱۴	قم
۶۹/۹۴	۸۲/۵۷	۷۷/۴۷	کردستان
۷۴/۴۶	۸۸/۶۵	۸۲/۸۱	کرمان
۷۴/۹۴	۸۵/۸۲	۸۲/۱۳	کرمانشاه
۷۴/۳۴	۸۹/۶۳	۸۱/۶۱	کهگیلویه و بویراحمد
۷۶/۲۴	۸۸/۰۶	۸۲/۰۸	گلستان
۷۴/۶۹	۹۰/۳۳	۸۳/۱۰	گیلان
۷۴/۳۹	۸۵/۷۹	۸۱/۰۹	لرستان
۷۹/۳۰	۹۰/۰۴	۸۵/۰۱	مازندران
۷۲/۸۰	۸۸/۹۷	۸۳/۹۱	مرکزی
۷۵/۷۶	۸۹/۷۶	۸۲/۳۸	هرمزگان
۷۶/۵۷	۸۷/۰۹	۸۲/۶۳	همدان
۷۹/۵۸	۹۰/۲۵	۸۸/۰۷	یزد



جدول ۴. فهرست مناطق کمتر توسعه یافته در امور حمایتی (شهرستانها)

شهرستان کمتر توسعه یافته	استان	شهرستان کمتر توسعه یافته	استان
چاراویماق	آذربایجان شرقی	تخت جلگه	خراسان رضوی
ورزقان	آذربایجان شرقی	تایباد	خراسان رضوی
کلیبر	آذربایجان شرقی	ترتت جام	خراسان رضوی
بوکان	آذربایجان غربی	جوین	خراسان رضوی
پیرانشهر	آذربایجان غربی	درگز	خراسان رضوی
چالدران	آذربایجان غربی	سرخس	خراسان رضوی
سردشت	آذربایجان غربی	جغتای	خراسان رضوی
شوط	آذربایجان غربی	خواف	خراسان رضوی
اشنویه	آذربایجان غربی	زاوه	خراسان رضوی
پلدشت	آذربایجان غربی	کلات	خراسان رضوی
تکاب	آذربایجان غربی	جاجروم	خراسان شمالی
چاپاره	آذربایجان غربی	مانه و سملقان	خراسان شمالی
شاهین دژ	آذربایجان غربی	گرمه	خراسان شمالی
فریدونشهر	اصفهان	انديکا	خوزستان
گرمی	اردبیل	باغ ملک	خوزستان
بیله سوار	اردبیل	دشت آزادگان	خوزستان
آبدانان	ایلام	شادگان	خوزستان
دهلران	ایلام	لالی	خوزستان
دره شهر	ایلام	هفتگل	خوزستان
شیروان و چرداول	ایلام	هویزه	خوزستان
ملکشاهی	ایلام	امیدیه	خوزستان
مهران	ایلام	ایذه	خوزستان
تنگستان	بوشهر	خرمشهر	خوزستان
دیر	بوشهر	رامشیر	خوزستان
کنگان	بوشهر	گتوند	خوزستان
جم	بوشهر	مسجد سلیمان	خوزستان
دیلم	بوشهر	هندیجان	خوزستان
گناوه	بوشهر	طارم	زنجان
اردل	چهارمحال و بختیاری	ایجرود	زنجان
کوهرنگ	چهارمحال و بختیاری	ماه نشان	زنجان
بشرویه	خراسان جنوبی	ایرانشهر	سیستان و بلوچستان
سرایان	خراسان جنوبی	خاش	سیستان و بلوچستان
فردوس	خراسان جنوبی	زابل	سیستان و بلوچستان
درمیان	خراسان جنوبی	زهک	سیستان و بلوچستان
سر بیسه	خراسان جنوبی	سرباز	سیستان و بلوچستان
نهبندان	خراسان جنوبی	کنارک	سیستان و بلوچستان

استان	شهرستان کمتر توسعه یافته	استان	شهرستان کمتر توسعه یافته
کرمانشاه	پاوه	سیستان و بلوچستان	نیک‌شهر
کرمانشاه	ثلاث باباجانی	سیستان و بلوچستان	چاه‌بهار
کرمانشاه	دالاهو	سیستان و بلوچستان	دلگان
کرمانشاه	جوانرود	سیستان و بلوچستان	زابلی
کرمانشاه	روانسر	سیستان و بلوچستان	سراوان
کرمانشاه	سرپل‌ذهاب	سیستان و بلوچستان	سیب و سوران
کرمانشاه	قصر شیرین	سیستان و بلوچستان	هیرمند
کرمانشاه	گیلانغرب	فارس	رستم
کهگیلویه و بویر احمد	بهمئی	فارس	فراشبند
کهگیلویه و بویر احمد	دنا	فارس	مهر
کهگیلویه و بویر احمد	کهگیلویه	فارس	خنج
گلستان	کلاله	فارس	زرین‌دشت
گلستان	مراوه‌تپه	فارس	قیرو کارزین
گلستان	گمیشان	کردستان	بیجار
لرستان	دلفان	کردستان	دیواندره
مازندران	سوادکوه	کردستان	سقز
مرکزی	کمیجان	کردستان	پانه
هرمزگان	ابوموسی	کردستان	دهگلان
هرمزگان	بشاگرد	کردستان	سروآباد
هرمزگان	جاسک	کردستان	مریوان
هرمزگان	خمیر	کرمان	حیرفت
هرمزگان	بسنک	کرمان	ریگان
هرمزگان	پارسیان	کرمان	کهنوج
هرمزگان	حاجی‌آباد	کرمان	فهرج
هرمزگان	سیریک	کرمان	کوهبنان
همدان	رزن	کرمان	منوجان
همدان	کبودرآهنگ	کرمان	رودبار جنوب
یزد	ابركوه	کرمان	عنبرآباد
یزد	خاتم	کرمان	قلعه گنج



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۹۶۸

عنوان گزارش: اظهار نظر کارشناسی درباره: «لایحه اصلاح جدول حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آنها»

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: غلامعباس دارابی

ناظر علمی: ابوذری گوهری مقدم

متقاضی: کمیسیون شوراها و امور داخلی

همکاران: —

همکاران خارج از مرکز: —

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: —

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ شروع مطالعه: ۱۳۹۰/۵/۱۰

تاریخ خاتمه مطالعه: ۱۳۹۰/۵/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۵/۲۳